اَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ
درس اول

اَلدّينُ وَ التَّدَيُّنُ
دین و دینداری

﴿... أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدّينِ حَنيفاً﴾ يونُس: ١٠٥
با یکتا پرستی به دین روی آور

اَلتَّدَيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنسانِ. وَ التّاريخُ يَقولُ لَنا:
دینداری فطری است در انسان. و تاریخ می‌گوید به ما:

لا شَعْبَ مِنْ شُعوبِ الْأَرْضِ إِلّا وَ كانَ لَهُ دينٌ وَ طَريقَةٌ لِلْعِبادَةِ.
هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر اینکه دین و روشی برای عبادت کردن داشته است.

فَالْآثارُ الْقَديمَةُ الَّتي اكْتَشَفَها الْإِنسانُ، وَ الْحَضاراتُ الَّتي عَرَفَها مِنْ خِلالِ
پس آثار کهن که کشف کرده است آنها را انسان، و تمدن‌هایی که شناخته است آنها را انسان از طریق

الْكِتاباتِ وَ النُّقوشِ وَ الرُّسومِ وَ التَّماثيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمامَ الْإِنسانِ بِالدّينِ وَ تَدُلُّ
نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، تأکید می‌کند بر توجه انسان به دین و دلالت دارد

عَلىٰ أَنَّهُ فِطْرِيٌّ في وُجودِهِ؛ وَلٰكِنَّ عِباداتِهِ وَ شَعائِرَهُ كانَتْ خُرافِيَّةً؛ مِثْلُ تَعَدُّدِ
بر اینکه آن فطری است در وجودش؛ ولی عبادت‌های او و مراسمش خرافی بوده است؛ مانند زیاد بودن

الْآلِهَةِ وَ تَقْديمِ الْقَرابينِ لَها لِكَسْبِ رِضاها وَ تَجَنُّبِ شَرِّها. وَ ازْدادَتْ هٰذِهِ
خدایان و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آنها برای کسب رضایتشان و دوری از بدی آنها، و افزایش یافتن این

الْخُرافاتُ في أَديانِ النّاسِ عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ. وَلٰكِنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لَمْ يَتْرُكِ
خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان. ولی خداوند والا و بلند مرتبه ترک نکرده است

النّاسَ عَلىٰ هٰذِهِ الْحالَةِ؛ فَقَدْ قالَ في كِتابِهِ الْكَريمِ:
مردم را به این حالت؛ پس گفته است در کتاب ارزشمندش:

﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنسانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدىً﴾ الْقِيامَة: ٣٦
آیا می‌پندارد انسان که بیهوده رها می‌شود

لِذٰلِكَ أَرْسَلَ إِلَيهِمُ الْأَنبياءَ لِيُبَيِّنوا الصِّراطَ الْمُستَقيمَ وَ الدّينَ الْحَقَّ.
به همین خاطر فرستاد به سوی آنها پیامبران را تا آشکار کنند راه راست و دین حق را.



